

فرآیند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: موردی از آموزش عالی ایران

عباس بازرگان* و یلانج**

چکیده

آموزش عالی در قرن بیست و یکم بیش از پیش مورد توجه کشورهای است. بدین جهت، تحول در نظام‌های آموزش عالی و به‌ویژه در دانشگاه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. از جمله این تحولات، تأکید بر بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها است. در راستای این امر، برای اولین بار در آموزش عالی ایران، دانشگاهی با مأموریت و اهداف خاص بین‌المللی، در دو دهه قبل، تأسیس شد. این دانشگاه را «دانشگاه مورد بررسی» می‌نامیم. در این باره این سؤال مطرح شد که وضعیت فرایند بین‌المللی شدن «دانشگاه مورد بررسی» چگونه است؟ برای پاسخ دادن به این سؤال، در این مقاله، ابتداء به این سؤال پاسخ داده شد که برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها چه رویکردهایی وجود دارد؟ سپس وضعیت موجود فرایند بین‌المللی شدن در «دانشگاه مورد بررسی» تحلیل می‌شود. بدین منظور، از طریق یک طرح تحقیق، از چهار جامعه آماری (شامل مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان) با روش‌های سرشماری و نمونه‌گیری، داده‌های لازم گردآوری و تحلیل شد. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود. نتایج نشان می‌دهد که برای بین‌المللی شدن یک دانشگاه چهار رویکرد فرایند-محور، فعالیت-محور، قابلیت-محور، و سازمان-محور وجود دارد. با توجه به نتایج پژوهش، در «دانشگاه مورد بررسی» رویکرد فرایند-محور اجرا شد. در این رویکرد، بین‌المللی شدن شش مؤلفه دارد: ۱- آگاهی؛ ۲- تعهد؛ ۳- برنامه‌ریزی؛ ۴- عملیاتی کردن؛ ۵- بازبینی و ۶- تقویت. تحلیل داده‌ها، همچنین، نشان می‌دهد که وضعیت فرایند بین‌المللی شدن در «دانشگاه مورد بررسی»، به طور کلی، در سطح نسبتاً رضایت‌بخش قرار دارد و از نظر مؤلفه‌های ششگانه فرایند بین‌المللی شدن نیز، در مؤلفه‌های تعهد، برنامه‌ریزی و عملیاتی کردن برنامه‌ها، رضایت‌بخش است. اما، در مؤلفه‌های آگاهی، بازبینی و تقویت در سطح نسبتاً رضایت‌بخش قرار دارد. تحلیل آماری داده‌ها نشان می‌دهد که افراد در چهار جامعه

*. استاد دانشگاه تهران

** نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد دانشگاه تهران feshalanj@yahoo.com

آماری (مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان) درباره وضعیت فرایند بین‌المللی شدن نظرات همسو دارند. لذا با توجه به اهمیت و جایگاه «دانشگاه مورد بررسی» در سطوح ملی و فراملی، لازم است برای ارتقاء فرایند بین‌المللی شدن، به ویژه در مؤلفه‌های آگاهی، تقویت و بازبینی کوشش بیش‌تری انجام شود تا وضعیت بین‌المللی شدن به سطح کاملاً رضایت‌بخش و مطلوب برسد. در این باره پیشنهادهایی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها:

بین‌المللی شدن، آموزش عالی، رویکردهای بین‌المللی شدن، فرایند بین‌المللی شدن

مقدمه

نظام‌های آموزش عالی در سطح جهان، در دو دهه گذشته، دستخوش تغییر بوده است. توسعه ارتباطات پیشرفته و فناوری اطلاعات، افزایش مبادله نیروی انسانی بین‌المللی، تأکید بیش‌تر بر اقتصاد بازار و آزادسازی تجارت، تمرکز بر جامعه دانش-بنیان، افزایش سطوح سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و کاهش بودجه عمومی در حمایت از آموزش و یادگیری مادام‌العمر از جمله محرکان اصلی تغییر بوده است (نایت^۱، ۲۰۰۴: ۷). بر این اساس، دانشگاه‌ها برای بقا در قرن بیست و یکم باید خود را برای رویارویی، با تغییرات یاد شده و نیز تحولات علمی و فناوری جهانی سازگار کنند. یکی از این تحولات، بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها است. دانشگاه‌های برتر در تقویت کیفیت خود در ابعاد بین‌المللی تلاش می‌کنند، در غیر این صورت ناگزیر به از دست دادن شرایط دستیابی به کیفیت مطلوب خواهند بود.

از بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها تعاریف گوناگونی ارائه شده است. از جمله معمول‌ترین آن‌ها تعریف نایت است. نایت، بین‌المللی شدن را فرایند تلفیق بعد بین‌المللی در کارکردهای تدریس، پژوهش و خدمات یک دانشگاه می‌داند (نایت، ۱۹۹۴: ۱۱). در تعریف‌های دیگر، دیدگاه جهانی شدن نیز در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها نقش داشته است. از این جمله، ون در وند^۲ (۱۹۹۷) بین‌المللی شدن را هرگونه تلاش نظام‌مند به منظور سازماندهی آموزش عالی در پاسخ به الزامات و چالش‌های مربوط به جهانی شدن، اقتصاد و بازار کار تعریف کرده

1. Knight
2. Van der Wende

است (وان در وند، ۱۹۹۷: ۱۹). در تعریف جدیدتری، نایت (۲۰۰۳) بین‌المللی شدن آموزش عالی را در سطوح ملی / منطقه‌ای / سازمانی به عنوان فرآیند تلفیق بعد بین‌المللی، بین فرهنگی یا جهانی در درون اهداف، کارکردها یا عرضه آموزش عالی بیان کرده است (نایت، ۲۰۰۳: ۲). کوشش در بین‌المللی شدن آموزش عالی آن چنان گسترده شده است که برای توسعه آموزش عالی در قرن بیست و یکم، یکی از توصیه‌های مهم یونسکو، تقویت بعد بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است (یونسکو^۱، ۲۰۰۹). پنج دلیل برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها وجود دارد: ۱- بهبود آمادگی دانش‌آموختگان؛ ۲- توجه به ابعاد بین‌المللی شدن برنامه درسی؛ ۳- ارتقای موقعیت بین‌المللی دانشگاه؛ ۴- تقویت پژوهش و آثار علمی؛ ۵- گسترش تنوع هیئت علمی (مارمولیو^۲، ۲۰۱۲). بر این اساس، بین‌المللی شدن آموزش عالی، علاوه بر اینکه در تحقق هدف‌های تولید دانش و یاری دادن به نیازهای جامعه کمک می‌کند، به دانشگاه‌ها یاری می‌رساند تا دانشجویان آن‌ها به آموزش با کیفیت دست یابند و در پژوهش نیز توانمند شوند.

بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها با عوامل مختلف از جمله پذیرش دانشجویان از کشورهای خارجی، برنامه درسی با ابعاد بین‌المللی، تعهد مدیریت ارشد به ارتباطات بین‌المللی، آموزش و اجرای مطالعات بین‌المللی، توجه به زبان خارجی، افزایش سرمایه‌گذاری در مبادلات خارجی، مبادله و مشارکت دادن اعضای هیئت علمی خارجی در تدریس و تحقیق مرتبط است (نایت، ۱۹۹۴: ۶۳). همان‌طور که اشاره شد، از جمله جنبه‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی تحرک دانشجویی است. این جنبه نشانه مناسبی از روند بین‌المللی شدن در دانشگاه‌هاست (تیچلر^۳، ۲۰۰۹: ۹۶). بنابر برخی تحقیقات (بروچ^۴ و بارتی^۵، ۱۹۹۸؛ یونسکو، ۱۹۹۷) تحرک دانشجویی یکی از عوامل مهم بین‌المللی شدن آموزش عالی است. به طوری که در طی ۲۵ سال گذشته، تبادل دانشجویی بین‌المللی بیش از ۳۰۰ درصد در جهان افزایش یافته و این امر روند بین‌المللی شدن در دانشگاه‌ها را تقویت کرده است (دامی^۶، ۲۰۰۱: ۴۱۸).

-
1. Unesco
 2. Marmoleio
 3. Teichler
 4. Bruch
 5. Barty
 6. Damme

نایت^۱ (۱۹۹۴) برای بین‌المللی شدن آموزش عالی، دلایل زیر را عرضه می‌کند: آماده‌تر کردن دانش‌آموختگان و محققان برای جهان در حال تحول، وابستگی جهانی به شهریه دانشجویان، تقویت بعد ملی و بین‌المللی در تحقیق، تقویت تعامل قومی و فرهنگی، حفظ رقابت اقتصادی، مرتبط کردن سیستم‌های دانشگاهی، کمک به تعامل اجتماعی، نوآوری در رقابت‌های فنی و علمی و کمک به روابط صلح‌آمیز در بین ملت‌ها (نایت، ۱۹۹۴: ۶۷).

مطالعات تجربی دو تن از پژوهشگران مؤسسه تکنولوژی جورجیا، (بازمن و لی ۲ در سال ۲۰۰۳) نشان داده است که ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی دانشگاهی بر میزان، نوع و کیفیت نوآوری‌ها و ابداعات علمی دانشگاهیان تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن بین‌المللی شدن باعث تقویت رقابت‌های دانشگاهی و ارتقاء استانداردهای کیفیت آموزش می‌شود (به نقل از فاضلی، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸). این امر همچنین موجب افزایش درک و شناخت بین فرهنگی، آشنایی دانشجویان بومی با مسائل بین‌المللی و ایجاد منابع درآمدی جدید است (نایت، ۲۰۰۳ الف: ۸). همچنین، ارتباطات بین‌المللی می‌تواند در جهت تغییر روند فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه و ماندگاری آن‌ها به کار گرفته شود (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۲). لذا می‌توان گفت که بین‌المللی شدن یک دانشگاه، علاوه بر رسمیت و آوازه بین‌المللی، توجه ملی را به دنبال خواهد داشت و باعث مشارکت بیش‌تر اعضای هیئت علمی و دانشجویان در فعالیت‌های علمی بین‌المللی می‌شود (مستن هاوس^۲، ۱۹۹۹: ۱۸-۲۰).

علاوه بر اینکه یک دانشگاه از طریق آموزش عالی فراملی (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۹) می‌تواند تلاش‌های بین‌المللی شدن خود را افزایش دهد، کوشش‌های دیگری مانند عضویت فعال در شبکه‌های بین‌المللی دانشگاهی نیز می‌تواند این امر را تقویت کند. هر چند در ایران نیز کوشش‌هایی برای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها انجام شده است، اما برخی پژوهش‌ها (منتظر، ۱۳۸۷) نشان می‌دهد که وضعیت موجود دانشگاه‌های منتخب ایرانی دارای جایگاه مناسبی از نظر بین‌المللی شدن نیستند. تخمین‌های خوش بینانه بیان‌کننده آن است که تا سال ۱۳۸۶، در مجموع حدود ۳۰۰۰ دانشجوی خارجی در ایران حضور داشته‌اند، اما در

-
1. Knight
 2. Bazeman & Lee
 3. Mestehouse

مقایسه با جمعیت ۳/۳ میلیون نفری دانشجویان در سال ۱۳۸۶، ظرفیتی در حدود ۰/۱ درصد را نشان داده است (همان). به‌رغم اینکه تعداد دانشجویان بین‌المللی در چند سال گذشته در ایران افزایش یافته است، اما انتظار نمی‌رود که نسبت آن‌ها به دانشجویان کشور چندان تغییر کرده باشد. همین موضوع راجع به حضور استادان خارجی در ایران نیز صادق است (منتظر، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

همچنین نسبت دانشجویان اعزامی به خارج نیز پایین است؛ برای مثال، در سال ۱۳۸۲، سهم دانشجویان ایرانی اعزامی به خارج حدود ۰/۱ درصد کل دانشجویان بوده است (فراستخواه، ۱۳۸۷: ۱۱۱). داده‌های فوق نشان‌دهنده آن است که به‌رغم بیان سیاست‌های موردنظر برای بین‌المللی‌شدن آموزش عالی کشور، هنوز راه طولانی در این حیطة در پیش است.

برای ارزیابی تأثیر بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها، هنوز ملاک‌های تأییدپذیری عرضه نشده است. اما به‌طور کلی، جنبه‌هایی مانند موارد زیر را می‌توان مورد نظر قرار داد: تحول در راهبردهای دانشگاه برای تحرک در جمعیت دانشجویی؛ تحول در نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به ارتباطات علمی بین‌المللی و تولید آثار علمی مشترک؛ نظر دانشجویان نسبت به استخدام‌پذیری آن‌ها در کشور مبدأ؛ نظر مدیران و کارکنان نسبت به فرایند بین‌المللی‌شدن و تفسیر این نظرات در قالب داده‌های کمی.

به‌طور کلی، کوشش در بین‌المللی کردن دانشگاه‌های یک کشور، امری اجتناب‌ناپذیر در عصر معاصر محسوب می‌شود. در این راستا می‌توان ملاحظه کرد که کوشش‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور هدایت دانشگاه‌های کشور به طرف فعالیت‌های بین‌المللی بوده است (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۶). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در رویکرد و برنامه‌های جدید خود در سال ۱۳۸۹، جایگاه ویژه‌ای را برای مراودات بین‌المللی به‌ویژه در جهان اسلام و سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و مجامع اسلامی منظور داشته است. علاوه بر آن، برای گسترش زبان فارسی نیز نقش جالب توجهی در این رابطه پیش‌بینی کرده است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۹). به‌رغم فعالیت‌های جدیدی که زمینه جذب دانشجویان خارجی، استفاده از فناوری‌های جدید یادگیری در پردیس‌های آموزش دانشگاهی، همکاری‌های علمی و بین‌المللی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی و غیره به‌عمل آمده است، مشخص نیست که

دانشگاه‌هایی که در سیاست‌های آن‌ها بین‌المللی شدن به صراحت بیان شده است، وضعیت موجود فرایند بین‌المللی شدن آن‌ها چگونه است. آیا برنامه‌ها و سیاست‌های مدونی در بین‌المللی کردن داشته‌اند؟ در این مسیر با چه چالش‌هایی مواجه بوده‌اند؟ از جمله دانشگاه‌هایی که در این باره کوشش کرده‌اند، دانشگاه «ب»^۱ یکی از دانشگاه‌هایی است که، در دو دهه قبل برای اولین بار در کشور، در چارچوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با مصوبه مجلس شورای اسلامی، با مأموریت و اهداف ویژه بین‌المللی، علمی، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده است. از این رو انتظار می‌رود در آموزش عالی ایران، این دانشگاه در راستای یاد شده گام‌های شایان توجهی برداشته باشد. با گذشت دو دهه از تأسیس این دانشگاه و اهمیت و جایگاه آن در آموزش عالی کشور، که پیشقراول بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شود، این سؤال کلی مطرح می‌شود که «فعالیت‌های دانشگاه یاد شده تا چه اندازه در راستای بین‌المللی شدن بوده است؟» در راستای پاسخ دادن به این سؤال، باید توجه داشت که نگرش مساعد اعضای هیئت علمی، دانشجویان، کارکنان و مدیران نقش ملاحظه‌پذیری در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاهی دارد. لذا لازم است، ابتدا میزان درک آن‌ها از فرایند یاد شده و نظرشان در این باره نیز بررسی شود.

به منظور پاسخ دادن به سؤال کلی ذکر شده، یک طرح پژوهشی انجام شد (فشانج، ۱۳۹۰). با توجه به مطالب فوق، این مقاله با استفاده از نتایج پژوهش یاد شده در راستای بررسی فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه، به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد.

۱. فرایند بین‌المللی شدن در یک دانشگاه از چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود؟
۲. وضعیت فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه از دیدگاه مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان چگونه است؟
۳. چالش‌ها و موانع پیشبرد فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه چیست و چگونه می‌توان فرایند بین‌المللی شدن را در این دانشگاه تقویت کرد؟

دانشگاه مورد مطالعه، دو ویژگی منحصر به فرد دارد نخست اینکه این دانشگاه، تنها دانشگاه

۱. با توجه به اخلاق پژوهشی و رعایت محفوظ بودن ویژگی مورد پژوهش از ذکر نام دانشگاه مورد مطالعه به طور آشکار خودداری شده است (مؤلفان).



آموزش عالی کشور است که بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی تأسیس شده است. ویژگی دوم آن است که دانشگاه برای آموزش و تربیت دانشجویان غیر ایرانی متقاضی تحصیل در ایران منظور شده است. به طوری که، طبق قانون، دانشگاه یادشده برای اولین بار در کشور اجازه یافت که به جذب دانشجوی غیر ایرانی با اهداف گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام، نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی، شناساندن شخصیت‌های جهان اسلام برای تعمیق فرهنگ اسلامی، بهره‌گیری از علوم و فنون در راستای فرهنگ اسلامی، تربیت متخصصان متعهد به منظور خود اتکایی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی و نیز کمک به گسترش تحصیلات عالی کشور اقدام کند. بر این اساس، دانشگاه یاد شده فعالیت رسمی خود را به عنوان یک دانشگاه جامع از سال ۱۳۷۰ آغاز کرده است.

از مهم‌ترین فعالیت‌های بین‌المللی انجام‌شده دانشگاه، عقد ۲۲ تفاهم‌نامه بین‌المللی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشورهای مختلف جهان بوده است. از جمله بندهای مهم این تفاهم‌نامه‌ها، تبادل دانشجو، استاد و کارکنان، تبادل اطلاعات علمی و مواد آموزشی، پژوهش‌های مشترک، مشارکت در کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی بوده است. و همچنین عضویت در اتحادیه دانشگاه‌های بین‌المللی جهان^۱، اتحادیه دانشگاه‌های کشورهای دولتی حاشیه دریای خزر^۲ و فدراسیون دانشگاه‌های جهان اسلام^۳ است. از دیگر فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه، آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است که مرکز آموزش زبان فارسی این دانشگاه، از معتبرترین مراکز آموزش زبان فارسی کشور به خارجیان است و داوطلبان غیرایرانی بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت، قومیت و مذهب پذیرش شده و در یک دوره تحصیل یک ساله مشغول به تحصیل می‌شوند (دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه، ۱۳۹۰). مطابق آخرین آمارها، دانش‌آموختگان این مرکز طی بیست سال تأسیس از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹، ۴۱۹۷ نفر بوده است. که بیش‌ترین دانش‌آموخته در سال ۱۳۸۸ با ۴۴۴ نفر از ۲۸ ملیت بوده است. در سال ۱۳۸۰، تعداد کشورهای مبدأ دانشجویان خارجی به ۴۶ کشور افزایش یافت. همچنین در نیم‌سال اول تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تعداد دانشجویان خارجی مرکز

-
1. IAU
 2. The Association Of State Universities Of Caspian Sea Region
 3. FUIW

آموزش زبان فارسی، ۲۷۰ نفر از ۹۸ ملیت که ۶۵ نفر دختر و ۲۰۵ نفر پسر بوده است (دفتر ریاست و روابط عمومی دانشگاه، ۱۳۹۰). بنابراین، علاوه بر کوشش‌های آموزشی در رشته‌های مختلف دانشگاهی، فعالیت‌های دانشگاه در زمینه جذب دانشجویان برای یادگیری زبان فارسی جالب توجه بوده است. بدین سان، پذیرش دانشجویان خارجی در این دانشگاه در دو دهه گذشته از روند شایان توجهی بهره‌مند بوده است. به طوری که تعداد دانشجویان خارجی در این مدت در این دانشگاه ده برابر شده است.

رویکردها و برخی از عوامل مؤثر در بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها: به طور کلی، چهار رویکرد برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها می‌توان مورد نظر قرار داد (نایت، ۱۹۹۴): ۱- فرایند محور^۱، ۲- فعالیت محور^۲، ۳- قابلیت محور^۳، ۴- فرهنگ سازمانی محور^۴. در رویکرد اول، بین‌المللی‌شدن به عنوان یک فرایند مورد نظر قرار می‌گیرد و در کارکردهای دانشگاه گنجانده می‌شود. در این رویکرد از طریق انعقاد قراردادهای همکاری بین دانشگاه مبداء و برخی دانشگاه‌های خارجی، پیوند همکاری به عمل می‌آید. همچنین، با پذیرش دانشجو از کشورهای خارجی، جنبه بین‌المللی دانشگاه بیش‌تر بازنمایی می‌شود. علاوه بر آن از دامنه وسیعی از فعالیت‌ها، سیاست‌ها و شیوه‌ها در فرایند یادشده استفاده می‌شود. در رویکرد دوم، بر حسب دسته یا نوع فعالیت‌هایی مانند برنامه درسی، تبادل هیئت علمی، همکاری‌های فنی بین‌المللی‌شدن دانشگاه انجام می‌شود. رویکرد سوم بر پرورش دانش، مهارت‌های جدید و انگیزش کار در سطح بین‌المللی استوار است. در این رویکرد به قابلیت‌های دانش‌آموختگان و سایر برون‌دادهای دانشگاهی حاصل از بین‌المللی‌تأکید می‌شود. بالاخره، در رویکرد چهارم، بر ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی تأکید می‌شود که بین‌المللی‌شدن را تسهیل می‌کند. توجه به این رویکردها، به فرایند بین‌المللی‌شدن یاری می‌رساند.

برای اینکه دانشگاه‌ها بتوانند در مسیر بین‌المللی‌شدن گام بردارند، لازم است دولت یک سیاست کلی نسبت به این امر اتخاذ کند. به عبارت دیگر، هر کشور باید از طریق برنامه‌ریزی

1. Process Approach
2. Approach Activity
3. Approach Competency
4. Approach Organizational Culture

بر بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها تأکید کند. سپس در این راستا، دانشگاه‌هایی که برنامه‌های استراتژیک خود را به این سو هدایت می‌کنند، از حمایت بیش‌تری بهره‌مند کند. زیرا، حمایت‌های مالی از کوشش‌های بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، تأثیر به‌سزایی در موفقیت آن‌ها دارد هنارد^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۶۱).

از جمله عوامل مؤثر دیگر، می‌توان به درهم‌تیندن سیاست‌های کلی دانشگاهی با کوشش‌های بین‌المللی شدن دانشگاه اشاره کرد. برای مثال، اتخاذ یک سیاست کلی برای استخدام هیئت علمی بین‌المللی (تمام وقت یا پاره وقت)، انجام‌دادن طرح‌های تحقیق مشارکتی میان-دانشگاهی (با دانشگاه‌های خارجی) می‌تواند فرایند بین‌المللی شدن را تسهیل کند. در این راستا، آگاه کردن اعضای هیئت علمی از فرایند بین‌المللی شدن و ارتقاء درک آن‌ها نسبت به اثرات بین‌المللی شدن نه تنها بر کیفیت کوشش‌های دانشگاه اثر خواهد گذاشت، بلکه در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه زیر پوشش دانشگاه به‌طور ملاحظه‌پذیری مؤثر خواهد بود.

نکته‌ای که نباید در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه از آن غفلت شود، نقش امور بین‌المللی دانشگاه در جذب دانشجویان در فرایند زندگی دانشگاهی است. به عبارت دیگر، یاری دادن به دانشجویان خارجی از لحاظ مسکن، فرا گرفتن زبان، مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند توان دانشگاه را در بعد بین‌المللی نمایان کند. علاوه بر آن به‌طور مستمر عملکرد یادگیری آن‌ها نظارت شود و به ارتقاء آن یاری دهد. در این راستا تعامل میان دانشجویان بومی و بین‌المللی می‌تواند مؤثر باشد.

علاوه بر موارد یاد شده، تأکید بر دستاوردهای یادگیری ویژه (از جمله تفکر انتقادی و مهارت‌های ارتباطی) برای دانشجویان بین‌المللی و ارزیابی مستمر این دستاوردها برای دستیابی به آن‌ها از جمله عواملی است که بر کیفیت بین‌المللی شدن دانشگاه تأثیر دارد. در این راستا، توجه به کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را به‌طور خاص و در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه را به‌طور عام، نمی‌توان نادیده گرفت. این امر به ویژه در ایجاد محیط‌های یادگیری مجازی و «تعامل انسان و رایانه نقش جالب توجهی دارد» (لازار و همکاران، ۲۰۱۰، ترجمه بازرگان و بازرگان، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرایند

آموزش عالی بین‌المللی را- از طریق تعامل در فضای مجازی^۱- تسهیل می‌کند. البته، در این مورد نقش پداگوژی بسیار اهمیت دارد. این امر به ویژه در استفاده از راهبردهای نوین یاددهی- یادگیری، برای ارتقاء کیفیت برنامه‌های آموزشی در چارچوب بین‌المللی شدن دانشگاه اثربخش خواهد بود. البته، منظور از به‌کار بردن فناوری‌های یاد شده در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، نه تنها به منظور انجام دادن امور اداری و خدمات پشتیبانی، بلکه به‌ویژه برای ارتقاء عملکرد یادگیری دانشجویان و نیل به دستاوردهای یادگیری^۲ مورد انتظار باشد. از این جمله، لازم است نسبت به ترکیب مناسب فناوری(تکنولوژی) و نیز پداگوژی(علم و هنر یاددهی-یادگیری) دقت لازم انجام شود. در این باره درک رویکرد یادگیری الکترونیکی ترکیبی^۳ توصیه شده است.

در اینجا به چند مورد از کشورهای صنعتی اشاره می‌کنیم که در راستای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها فعال بوده‌اند. این کشورها امریکا، استرالیا، فرانسه، آلمان، اسپانیا و انگلستان را شامل است(هنارد و همکاران، ۲۰۱۲). برای مثال، استرالیا با منظور داشتن برنامه‌های ویژه برای بازنمایی کیفیت دانشگاه‌های خود در سطح بین‌المللی، فعالیت‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی خود را به طور منظم دنبال کرده است. از این جمله، از آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد، می‌توان به تأسیس AUQA^۴ و سپس نهادهای دیگر برای ارزیابی کیفیت دانشگاهی اشاره کرد. در بین کشورهای در حال توسعه نیز می‌توان کوشش‌های به آفریقای جنوبی، هند و مالزی اشاره کرد.

شک نیست که فعالیت‌های بین‌المللی شدن دانشگاهی نه تنها در کشورهای صنعتی، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز با چالش مواجه است. در این راستا، می‌توان به چالش‌های برخی کشورهای صنعتی اشاره کرد. برای مثال، هارد^۵(۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «تلاش‌های بین‌المللی شدن در کالج‌های محلی آمریکا...» انجام داده است. این پژوهش نشان داد که به طور کلی کالج‌های محلی آمریکا از نظر بین‌المللی شدن در سطح پایینی قرار دارند. علاوه بر آن،

-
1. Syber space
 2. Learning outcomes
 3. Blended e-learning approach
 4. Australian Universities Quality Agency
 5. Harder



کالج‌هایی که در مناطق غیر شهری قرار دارند به مراتب کم‌تر از کالج‌های شهری و حومه شهر بین‌المللی شده‌اند (هاردن، ۲۰۱۰). بررسی اوایل (۲۰۰۹) در کشور استرالیا، نشان می‌دهد که استراتژی‌های بین‌المللی شدن دانشگاه نیوسات ویلز در استرالیا در مقایسه با دانشگاه کارولینای جنوبی در ایالات متحده، که هر دو دانشگاه طرح‌ها و برنامه‌هایی مشابه داشته‌اند، موجب افزایش ابعاد بین‌المللی در این دانشگاه‌ها شده است. در هر دو دانشگاه مذکور، بین‌المللی شدن به عنوان یک عنصر مهم آموزش عالی که مورد تأیید هیئت رئیسه و اعضای هیئت علمی دانشگاه بوده، به طوری که این امر موجب موفقیت فرایند بین‌المللی شدن شده است (اوایلر، ۲۰۰۹). همچنین، از این مطالعه می‌توان به این نکته پی‌برد که برای موفقیت فعالیت‌های بین‌المللی شدن دانشگاه، نه تنها هیئت رئیسه دانشگاه، بلکه اعضای هیئت علمی باید نسبت به این امر دلبستگی داشته و از نشانه‌گذاری^۱ استفاده شود.

به‌رغم موفقیت‌هایی از این نوع، می‌توان به موارد فقدان موفقیت در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها نیز پی برد. از این جمله می‌توان به پژوهش دیوئی و داف^۲ (۲۰۰۹) اشاره کرد که به صورت موردی در دانشکده معماری و هنرهای دانشگاه اورگان ایالات متحده آمریکا انجام شده است؛ این پژوهش نقاط ضعف فراوانی در استراتژی‌های سازمانی برای بین‌المللی شدن از جمله فعالیت‌های مربوط به نظارت، عملیات، خدمات و منابع انسانی را نشان داده است (دیوئی و داف، ۲۰۰۹: ۵۰۱).

رامبلی^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «بین‌المللی شدن در دانشگاه‌های اسپانیا: فرصت‌ها، الزامات و پیامدها» بین‌المللی شدن را در چهار دانشگاه مادرید^۵، سویلا^۶، پومپا فابرا^۷ و آلفونسو اکس ال سایبو^۸ اسپانیا با استفاده از ۲۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته از مدیران و معاونان دفاتر بین‌المللی و برخی استادان مهم دانشگاه بررسی کرده است. در این مطالعه از چرخه فرآیند

-
1. Oyler
 2. Benchmarking
 3. Dewey & Duff
 4. Rumbley
 5. Madrid (UCM)
 6. Sevilla (US)
 7. Pompeu Fabra (UPF)
 8. Alfonso X El Sabio (UAX)

بین‌المللی شدن نایت (۱۹۹۴) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که ابعاد آگاهی، تعهد و عملیاتی کردن فرآیند بین‌المللی شدن این دانشگاه‌ها از سطح بالایی بهره‌مند بوده است. اما عملکرد آن‌ها در ابعاد برنامه‌ریزی، بازبینی و تقویت ضعیف بوده است (رامبلی، ۲۰۰۷).

نگاهی به برخی کوشش‌های انجام شده در زمینه بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در ایران

و کشور همسایه: از جمله کوشش‌هایی که در راستای بین‌المللی کردن آموزش عالی می‌توان اشاره کرد، آموزش عالی فراملی است. بازرگان و همکاران (۱۳۸۹) با هدف بررسی وضعیت موجود آموزش فراملی در ایران، در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، نشان داده‌اند که وضعیت موجود درون‌دادها و فرایندهای این نوع آموزش در قالب برنامه‌های مشترک میان دانشگاه‌های خارج از ایران با دانشگاه‌های داخلی از مطلوبیت بهره‌مند نبوده است. شاهی و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی ارتباطات بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی خوزستان نشان داده است که دانشگاه‌های یاد شده مراحل اولیه توسعه را در زمینه بین‌المللی شدن طی می‌کنند. هر چند از سال ۱۳۸۷، به‌منظور گسترش بین‌المللی شدن در این دانشگاه‌ها کوشش‌هایی شده است (همان: ۳۵-۳۴).

درباره بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در منطقه خاورمیانه نیز پژوهش بستروم^۱ راجع به بین‌المللی شدن دانشگاه‌های آنکارا و غازی نشان داده است که در دانشگاه آنکارا، سیاست‌های بین‌المللی شدن در سطح دانشکده‌ها تنظیم شده، اما در عمل چندان اجرا نشده است (بستروم، ۲۰۱۰). برای مثال، از ۴۱،۷۵۲ دانشجوی دانشگاه آنکارا، ۵۹۱ نفر (۱/۴ درصد) و از ۵۷،۱۰۷ دانشجوی دانشگاه غازی، ۹۴۱ نفر (۱/۶ درصد) دانشجوی خارجی بوده‌اند. هر دو دانشگاه آنکارا و غازی سعی کرده‌اند که در برنامه‌ریزی برای یکپارچه‌سازی ابعاد بین‌المللی، فرهنگی و توجه به تحولات جهانی با هدف ارتقاء عملکرد و انتقال نوآوری در آموزش عالی کوشش کنند. نتایج دیگری درباره بین‌المللی شدن نشان داد که اعضای هیئت علمی و مدیران به ویژگی‌های بین‌المللی شدن در دانشگاه آنکارا، بیش‌تر از دانشگاه غازی توجه کرده‌اند، اما هنگامی که به پاسخ دانشجویان نیز توجه شد، نتایج نشان داد دانشگاه آنکارا در مقایسه با دانشگاه غازی، نسبت به ویژگی‌های بین‌المللی آگاهی بیش‌تری داشته است (بستروم، ۲۰۱۰: ۱۵۳-۱۵۸).



سیاه (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران: ...» ادراک استادان از مزایا، چالش‌ها و نقش آموزش از راه دور را در فرایند بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران بررسی کرده است. نتایج این پژوهش وضعیت مناسبی را در این زمینه نشان نمی‌دهد. در این پژوهش، به نظر اعضای هیئت علمی، عوامل مؤثر در بین‌المللی شدن دانشگاه‌های ایران به دلایلی از جمله نبود اراده سیاسی واقعی، سیستم آموزشی متمرکز، بوروکراسی و زیرساخت‌های انعطاف‌ناپذیر دانشگاهی، روش‌های تدریس سنتی، منابع مالی ناکافی (کمبود سرمایه‌گذاری جالب توجه بخش خصوصی)، امکانات و زیرساخت‌های قدیمی، توانایی ناکافی در زبان‌های بین‌المللی (به عنوان مثال انگلیسی)، مدیریت ضعیف و به شدت سیاسی حوزه‌های دانشگاهی بوده است (سیاه، ۲۰۰۹).

به طور کلی با توجه به نتایج برخی از پژوهش‌های مربوط به بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، که در بالا به آن‌ها اشاره شد، می‌توان به این نکته اشاره کرد که امر بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها مستلزم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه از طریق هدایت و رهبری آن برای تحقق هدف‌های بین‌المللی شدن دانشگاه‌هاست. علاوه بر آن، درک مدیران، اعضای هیئت علمی، سایر کارکنان و نیز دانشجویان نسبت به ضرورت بین‌المللی شدن دانشگاه و همگامی آن‌ها در این فرایند، لازمه موفقیت این امر است.

روش

برای پاسخ دادن به سؤال‌های پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. مطالعه اولیه درباره بین‌المللی شدن «دانشگاه مورد بررسی» نشان داد که این دانشگاه رویکرد فرایندمحوری را اساس کوشش‌ها قرار داده است. لذا، این رویکرد مبنای داده‌های مورد نیاز و گردآوری آن‌ها شد. به منظور جامعه آماری مشتمل بر چهار زیر جامعه در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ به شرح ۱- مدیران ارشد و میانی دانشگاه مشتمل بر ۸۲ نفر؛ ۲- اعضای هیئت علمی با ۲۱۰ نفر؛ ۳- کارشناسان با ۱۹۳ نفر و ۴- دانشجویان با ۶۸۶۳ نفر که در مجموع بالغ بر ۷۳۴۸ نفر بوده‌اند. گردآوری داده‌ها در زیر جامعه آماری مدیران با روش سرشماری کامل انجام شد. این نمونه شامل ۴۴ نفر بود. نمونه اعضای هیئت علمی با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای با

حجم متناسب، ۱۳۸ نفر انتخاب شدند که ۱۰۰ نفر آن‌ها در پژوهش مشارکت داشتند. کارشناسان با نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۱۲۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و دانشجویان نیز با نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای با انتساب متناسب، ۳۶۳ نفر انتخاب شدند. در مجموع چهار جامعه آماری، تعداد نمونه‌های مورد مشاهده، ۶۳۵ نفر بود.

ابزار گردآوری داده‌ها، شامل چهار پرسشنامه محقق ساخته بود. این پرسشنامه‌ها بر اساس مؤلفه‌های ششگانه فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها تدوین شده بود. پرسشنامه‌های پژوهش، با توجه به بررسی انجام شده، از اعتبار (روایی) صوری و محتوایی بهره‌مند بودند. در این راستا از نظر متخصصان و اساتید و اجرای پیش‌آزمون استفاده شد. قابلیت اعتماد (پایایی) پرسشنامه‌ها نیز از روش آلفای کرونباخ به دست آمد. مقادیر به دست آمده برای آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۹۶، ۰/۹۶ و ۰/۹۶ است. این ضرایب نشان‌دهنده پایایی بالا و مناسب پرسشنامه‌های پژوهش است. گردآوری داده‌ها با مراجعه مستقیم به افراد و تکمیل پرسشنامه‌ها در محل دانشگاه انجام شده است.

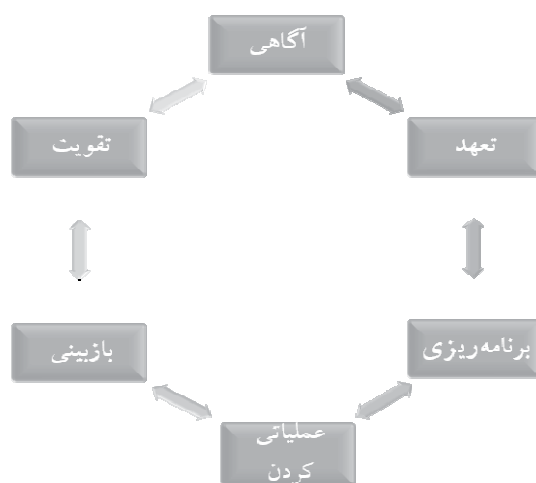
داده‌های گردآوری شده به کمک نرم‌افزار آماری SPSS تنظیم و جدول‌بندی شدند. سپس با استفاده از روش‌های آماری تجزیه و تحلیل شد. در نهایت وضعیت موجود فرایند بین‌المللی شدن و مؤلفه‌های آن در دانشگاه مورد مطالعه از طریق طیف سه درجه‌ای رضایت‌بخش، نسبتاً رضایت‌بخش و ناراضی ارزیابی شد.

یافته‌ها

سؤال اول: فرایند بین‌المللی شدن در یک دانشگاه از چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود؟
اطلاعات پژوهشی به دست آمده در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که بین‌المللی شدن دانشگاه مستلزم پیمودن چرخه‌ای است که شامل شش مؤلفه (آگاهی^۱، تعهد^۲، برنامه ریزی^۳،

1. Awareness
2. Commitment
3. Planning

عملیاتی کردن برنامه‌ها^۱، بازبینی^۲ و تقویت^۳ است. در شکل ۱ این چرخه نشان داده شده است. دانشگاه‌ها از طریق این چرخه می‌توانند به سرعت فعالیت‌های خود را در جهت بین‌المللی شدن حرکت دهند. هر چند توالی در شش مرحله وجود دارد، اما توجه به این نیز مهم است که جریان دو طرفه‌ای، به ترتیب بین مراحل مختلف رخ می‌دهد.



شکل ۱: اجزای فرایند بین‌المللی شدن دانشگاهها (اقتباس از نایت، ۱۹۹۴)

با توجه به شکل فوق، فرایند بین‌المللی شدن تلاشی مستمر و پیوسته است. به اجزاء این فرایند به شرح زیر (نایت، ۲۰۰۷: ۲۱۴) تفصیل بیشتری اشاره می‌شود:

۱. **آگاهی:** منظور ایجاد آگاهی نسبت به اهمیت و منافع بین‌المللی شدن برای دانشجویان، کارکنان و استادان است. آگاهی از اهمیت و تأثیر این موضوع اولین قدم است، اما آن کافی نیست. مهم تحریک بحث‌های گسترده دانشگاه درباره موضوعاتی مانند نیاز، هدف، راهبردها، مسائل بحث‌برانگیز و پیامدهای منابع و منافع بین‌المللی شدن است. بین‌المللی شدن باید در همه جنبه‌های دانشگاه لمس شود و همه حوزه‌ها نیاز به این دارند که از مسائل آگاهی داشته باشند. بین‌المللی شدن نباید متعلق به یک گروه کوچک باشد، زیرا آن به جای آنکه موضوع فراگیری

1. Operationalize
2. Review
3. Reinforcement

باشد، می‌تواند توسط آن‌ها به حاشیه رانده شود.

۲. تعهد: منظور تعهد مدیران ارشد، رؤسای شوراهای، اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان است. تعهدسازی در فرایند یکپارچه‌سازی ابعاد بین‌المللی در کارکردهای تدریس/یادگیری، پژوهش و خدمات دانشگاه است. تعهد رهبران ارشد جامعه دانشگاهی از اهمیت حیاتی بهره‌مند است. و باید به هر دو روش عینی و نمادین بیان شود. اغلب ادراک نادرستی وجود دارد که تعهد رهبری را باید از نظر بودجه جدید اختصاص داده شده اندازه‌گیری کرد. شکی نیست که وجوه اضافی در تلاش‌های بین‌المللی شدن وجود دارد، اما داستان‌های موفقیت کالج‌ها و دانشگاه‌ها ثابت می‌کند که بدون منابع عمده بودجه جدید نیز می‌تواند انجام شود. و آن به نگرش و تعهد و در نهایت به رسمیت شناختن و پاداش بستگی زیادی دارد. همچنین پشتیبانی قوی و گویشی پایگاه گسترده اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان برای تکمیل تعهد مدیران ارشد و تبدیل تعهد به برنامه‌ریزی استراتژیک مورد نیاز است.

۳. برنامه‌ریزی: شامل مشخص کردن نیازها و منابع، غایت، اهداف، اولویت‌ها و استراتژی‌های بین‌المللی شدن در دانشگاه و توسعه طرح جامع یا استراتژی برای بین‌المللی شدن دانشگاه است. زمان‌بندی برای توسعه این استراتژی عامل مهمی است. اولین گام مهم شفاف‌سازی هدف و غایت است. دلایل بین‌المللی شدن، نتایج در نظر گرفته شده، ویژگی‌های منحصر به فرد، منابع و نیازهای دانشگاه باید به وضوح ارزیابی شده و عامل در استراتژی باشد. برنامه‌ریزی باید در سطوح مختلف دانشگاه انجام شود. این طرح در سطح دانشگاه، نیاز به نشان دادن اولویت و ارائه چارچوب و جهت است. بنابراین، بیانیه مأموریت دانشگاه نقش کلیدی ایفا می‌کند. گام بعدی انتقال بیان اهمیت و قصد به برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی است.

۴. عملیاتی کردن برنامه‌ها: منظور اجرای جنبه‌های مختلف استراتژی‌های بین‌المللی و ایجاد فرهنگ حمایتی است. فعالیت‌های علمی و خدمات، عوامل سازمانی و اصول راهنما نقش عمده‌ای در این مرحله از چرخه ایفا می‌کنند. توسعه خدمات و فعالیت‌های دانشگاهی بخش آشکار و ضروری فرایند است. اولویت گام برداشتن در این فعالیت‌ها به منابع، نیازها و اهداف هر مؤسسه بستگی دارد. هر یک از طرح‌های عملیاتی باید ویژه هر هدف خاص و متمایز با نیاز، ویژگی‌ها و

منابع هر دانشگاه باشد. تأسیس دفتر بین‌المللی یا پست اختصاص داده شده به فعالیت‌های بین‌المللی به عنوان یک عامل بسیار مهم شناخته می‌شود. در مرحله دوم، دفتر بین‌المللی این فرصت را باید به یک چشم‌انداز کلان از آنچه در سراسر دانشگاه در حال وقوع است و اینکه چگونه جنبه‌های مختلف فعالیت‌ها را تقویت یا تکمیل و به تبادل اطلاعات، مشاوره پشتیبانی، افزایش درآمد، کمک و حمایت، توسعه سیاسی، آموزش اعضای هیئت علمی و کارکنان تبدیل کند.

۵. بازبینی: ارزیابی مستمر کیفیت و تأثیر جنبه‌های مختلف فرایند بین‌المللی را ارتقاء می‌بخشد. مفهوم بازبینی به تفسیر از دو روش مختلف نیاز دارد. در معنای متعارف‌تر، بازبینی به معنی نظارت و ارزیابی از ارزش و موفقیت فعالیت‌های فردی است و اینکه آن‌ها با همدیگر چگونه کار می‌کنند. بازبینی تلاش می‌کند تا مطمئن شود که اهداف به صورت کارآمد و اثربخش هستند و کیفیت فعالیت یا خدمات مطابق با استانداردها و انتظارات برآورده شده است. مفهوم بازبینی همچنین به ترکیب بین‌المللی شدن در بازبینی سالانه یا دو سالانه و فرآیند بودجه‌بندی در بخش‌های دانشگاهی و واحدهای اداری درگیر در سراسر دانشگاه مربوط است. این نوع بررسی سیستماتیک برای یکپارچه‌سازی بین‌المللی شدن برای سیستم منظم اداری و علمی دانشگاه ضروری است. این نوع از بازبینی ممیزی، ارزیابی یکپارچه از سطوح فعالیت‌های بین‌المللی شدن دانشگاه است.

۶. تقویت: توسعه انگیزه‌ها، شناخت و پاداش برای مشارکت اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان است. به‌منظور توسعه فرهنگ، دانشگاه باید به روش‌های عینی و نمادین با ارزش و دادن پاداش به اعضای هیئت علمی و کارکنانی که در این کار درگیر هستند، بین‌المللی شدن را پشتیبانی کند. فرهنگ هر دانشگاه، برای قدردانی و احترام از تلاش‌های بین‌المللی شدن روش‌های خاصی را تعیین می‌کند. از جمله آن‌ها نظرخواهی کردن از اعضای هیئت علمی و کارکنان برای طرح ایده‌ها، سیاست‌های ارتقاء و دستمزد است (نایت، ۱۹۹۴: ۱۲۲-۱۳۲).

با رعایت هر یک از اجزاء فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، می‌توان امر بین‌المللی شدن را میسر کرد و با کوشش‌های انجام شده به‌منظور بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در سطح جهان، در سال‌های اخیر شتاب بیش‌تری یافته است (هنارد و همکاران، ۲۰۱۲). علاوه بر این تلاش‌های دیگری تحت عنوان دوره‌های آموزشی

یا «درس‌های انبوه آزاد برخط» (M.O.O.C)^۱ اخیراً در برخی دانشگاه‌ها آغاز شده است. این امر نیز می‌تواند به عنوان جنبه‌ای از بین‌المللی‌شدن تلقی شود (لن و کینسر^۲، ۲۰۱۲). با توجه به رویکرد فرایندی برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها، و با استفاده از داده‌های حاصل از دانشگاه «ب»، در اینجا به سایر سؤال‌های پژوهشی پاسخ داده می‌شود.

برای تحلیل وضعیت فرایند بین‌المللی‌شدن و مؤلفه‌های آن در دانشگاه مورد مطالعه، نظر افراد نمونه نسبت به رضایت آن‌ها از فرایند بین‌المللی‌شدن در مقیاس سه درجه‌ای (۱- ناراضی؛ ۲- نسبتاً رضایت‌بخش؛ ۳- رضایت‌بخش) بررسی شد. مقدار میانگین‌های به‌دست آمده برای هر یک از مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی‌شدن دانشگاه محاسبه و مقایسه شد. در جدول ۱ یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تعهد با میانگین (۲/۱۹)، برنامه‌ریزی با میانگین (۱/۹۲) و عملیاتی‌کردن برنامه‌ها با میانگین (۱/۸۶) در سطح رضایت بخش و مؤلفه‌های تقویت با میانگین (۱/۴۵) و آگاهی با میانگین (۱/۶۵) در سطح نسبتاً رضایت‌بخش قرار دارد. همچنین وضعیت کلی فرایند بین‌المللی‌شدن دانشگاه، با توجه به مقدار میانگین کل به‌دست آمده (۱/۷۸)، نسبتاً رضایت‌بخش است. اما بر اساس طیف سه درجه‌ای، با وضعیت رضایت بخش هنوز فاصله دارد.

جدول ۱: وضعیت مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی‌شدن در دانشگاه «ب» از دیدگاه افراد مورد مطالعه

ردیف	مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی‌شدن	فراوانی	میانگین رضایت	انحراف معیار
۱	آگاهی	۶۳۵	۱/۶۵	۰/۷۹۵
۲	تعهد	۶۳۵	۲/۱۹	۰/۸۱۵
۳	برنامه‌ریزی	۶۳۵	۱/۹۲	۰/۷۹۳
۴	عملیاتی‌کردن برنامه‌ها	۶۳۵	۱/۸۶	۰/۵۸۳
۵	بازبینی	۶۳۵	۱/۶۵	۰/۹۱۱
۶	تقویت	۶۳۵	۱/۴۵	۰/۸۵۵
	کل فرایند بین‌المللی‌شدن	۶۳۵	۱/۷۸	۰/۶۵۶

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، به نظر افراد مورد مطالعه در بین مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی‌شدن، بالاترین سطح مربوط به تعهد و کم‌ترین سطح مربوط به تقویت مثبت امر

1. Massive Open Online Courses
2. Lane & Kinser



مشارکت اعضای هیئت علمی، مدیران، سایر کارکنان و دانشجویان در کوشش‌های ذی ربط است. این واقعیت به‌رغم آن است که آگاهی آن‌ها نیز در سطح متوسط قرار دارد.

سؤال دوم: وضعیت فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه از دیدگاه مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان چگونه است؟

برای تحلیل وضعیت فرایند بین‌المللی شدن و مؤلفه‌های آن در دانشگاه مورد مطالعه از دیدگاه مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان میانگین نظر آن‌ها محاسبه شد. این مقادیر در جدول ۲ برای نمونه‌های مورد مشاهده در چهار جامعه نشان داده شده است. با بررسی مقادیر هر یک از مؤلفه‌های ششگانه در جامعه مدیران نشان می‌دهد که مؤلفه برنامه‌ریزی در فرایند بین‌المللی شدن از وضعیت بهتری نسبت به پنج مؤلفه دیگر قرار دارد، اما نظر اعضای هیئت علمی و سایر کارکنان، مؤلفه تعهد دارای بالاترین سطح است. این امر درباره دانشجویان نیز صادق است. جدول ۲ به تفصیل نظر افراد مورد مطالعه را درباره میزان رضایت بخش بودن مؤلفه‌های ششگانه نشان می‌دهد.

جدول ۲: وضعیت مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی شدن از دیدگاه مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان

مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی شدن	میانگین رضایت				انحراف معیار			
	دانشجویان	کارشناسان	مدیران	هیئت علمی	دانشجویان	کارشناسان	مدیران	هیئت علمی
آگاهی	۱/۹۳	۱/۸۵	۱/۴۸	۱/۴۳	۰/۷۹۰	۰/۷۳۳	۰/۸۰۶	۰/۷۰۵
تعهد	۲/۱۹	۲/۱۸	۲/۰۱	۱/۸۰	۰/۷۷۲	۰/۸۱۶	۰/۸۹۷	۰/۷۷۱
برنامه‌ریزی	۲/۲۹	۲/۱۷	۱/۹۸	۱/۷۹	۰/۸۱۲	۰/۷۴۸	۰/۷۰۹	۰/۶۹۸
عملیاتی کردن برنامه‌ها	۱/۹۵	۱/۹۲	۱/۷۵	۱/۷۰	۰/۵۸۸	۰/۵۶۶	۰/۵۸۵	۰/۴۸۶
بازبینی	۱/۸۰	۱/۷۶	۱/۸۲	۱/۵۱	۰/۸۶۰	۰/۸۲۷	۱/۱۹	۰/۶۴۲
تقویت	۱/۶۷	۱/۴۳	۰/۸۷	۱/۲۴	۰/۸۰۶	۰/۹۳۱	۰/۸۴۳	۰/۶۵۰
کل فرایند بین‌المللی شدن	۱/۹۷	۱/۸۸	۱/۶۵	۱/۸۵	۰/۶۵۲	۰/۶۳۶	۰/۶۷۴	۰/۴۹۲

به‌رغم اینکه آگاهی اعضای هیئت علمی نسبت به اهمیت و منافع بین‌المللی شدن دانشگاهی در مقایسه با دو جامعه مورد مطالعه دیگر، بعد از جامعه مدیران، بالاتر است. اما انحراف معیار آن بیش‌ترین است. به عبارت دیگر در میان اعضای هیئت علمی آگاهی نسبت به این امر نه تنها یکسان نیست، بلکه نوسان بیش‌تری دارد. پس از مدیران، تعهد اعضای هیئت علمی در دانشگاه «ب» نسبت به فرایند بین‌المللی شدن، نسبت به افراد دو جامعه دیگر (کارکنان غیر آموزشی و دانشجویان) بیش‌تر است. در این باره نیز اعضای هیئت علمی را می‌توان یافت که ممکن است که خود را به هیچ وجه متعهد ندانند، در جایی که می‌توان برخی اعضای هیئت علمی را یافت که بالاترین تعهد را دارند (انحراف معیار ۰/۸۹۷ در مقیاس ۱ تا ۳).

مؤلفه‌های برنامه‌ریزی، عملیاتی کردن برنامه‌ها و تقویت مثبت کوشش از نظر مدیران در بالاترین سطح قرار دارد، اما وضعیت مؤلفه تقویت از نظر اعضای هیئت علمی و مؤلفه‌های عملیاتی کردن و تقویت از نظر کارشناسان و دانشجویان در حالت نسبتاً رضایت‌بخش و رضایت‌مندی کم‌تری است. درباره مؤلفه بازبینی کوشش‌های بین‌المللی شدن در دانشگاه «ب» در بین چهار جامعه مورد مطالعه، کارشناسان بر این عقیده هستند که به نسبت بیش‌تری بازنگری انجام می‌شود. در حالی که افراد سایر جامعه‌ها، حتی مدیران نظر محتاط‌تری را بیان داشته‌اند. به‌طور خلاصه، یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیران نسبت به مؤلفه‌های فرایند بین‌المللی شدن از هماهنگی بیش‌تری بهره‌مند هستند؛ در حالی که کارکنان بالاترین نوسانات را در دیدگاه خود نسبت به رضایت‌مندی از فرایند یادشده بیان داشته‌اند.

در خصوص رابطه میزان رضایت از فرایند بین‌المللی شدن با دیدگاه مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان، از آزمون خی دو استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری بیش‌تر از ۰/۰۵ است، فرضیه صفر تأیید می‌شود. لذا دیدگاه چهار جامعه در خصوص رضایت از وضعیت فرایند بین‌المللی شدن همسو است.



جدول ۳: مقایسه دیدگاه چهار گروه مورد مطالعه در خصوص وضعیت فرایند بین‌المللی شدن

نمونه	دیدگاه	رضایت‌بخش		نسبتاً و کم‌تر رضایت‌بخش	جمع	درجه آزادی	سطح معناداری
		فرآوانی					
		فرآوانی	فرآوانی				
مدیران		۳۶	۸	۴۴			
اعضای هیئت علمی		۶۸	۳۲	۱۰۰			
کارشناسان		۶۹	۵۹	۱۲۸	۰/۷۶۴	۳	
دانشجویان		۱۷۲	۱۹۱	۳۶۳			
کل		۳۴۵	۲۹۰	۶۳۵			

سؤال سوم: چالش‌ها و موانع پیشبرد فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه چیست و

چگونه می‌توان فرایند بین‌المللی شدن را در این دانشگاه تقویت کرد؟

با توجه به یافته‌های پژوهش درباره فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه می‌توان گفت که مؤلفه‌های تعهد، برنامه‌ریزی و عملیاتی کردن برنامه‌ها در وضعیت رضایت‌بخش قرار دارد. اما مؤلفه‌های آگاهی، تقویت و بازبینی فعالیت‌های دانشگاه با چالش‌ها و موانع مواجه است. از جمله، آگاهی کارکنان غیرآموزشی و به ویژه دانشجویان، از اهمیت بین‌المللی شدن دانشگاه، پیامدها و منافع آن ناکافی است. به طوری که می‌توان گفت مؤلفه آگاهی در چهار جامعه به ترتیب از نظر مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان کاهش می‌یابد، اما همان‌طور که انتظار می‌رود آگاهی و اطلاعات مدیران که نقش تأثیرگذاری در این فرایند دارند، نسبت به سایرین وضعیت مطلوب‌تری دارد. از دیگر چالش‌ها، تقویت، پاداش و تأیید مشارکت اعضای هیئت علمی کارشناسان و دانشجویان است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این مؤلفه ضمن اینکه از پایین‌ترین سطح رضایت میان افراد مورد مطالعه در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها بهره‌مند است، در بین کارشناسان نیز ضعیف‌ترین سطح رضایت را داراست. چالش بعدی فقدان بازبینی، نظارت و ارزیابی مستمر کیفیت فعالیت‌های مختلف دانشگاه در فرایند بین‌المللی شدن است، که وضعیت آن تا حالت رضایت‌بخش فاصله دارد.

با توجه به اینکه در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه، مهم‌ترین قدم، ارتقای آگاهی افراد

ذی‌ربط نسبت به اهداف، راهبردها، پیامدها و منافع بین‌المللی شدن دانشگاه است، ارتقای سطح آگاهی اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان از اولویت بهره‌مند است. هر چند در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه، تعهد هیئت رئیسه و مدیران نسبت به سایرین از بالاترین سطح را دارد. شک نیست که انتظاری جز این نمی‌توان داشت، اما در عوض مدیران از نظر تقویت مثبت کوشش‌ها کم‌ترین سطح را دارند.

مؤلفه سوم، برنامه‌ریزی و طرح توسعه جامع یا استراتژی برای بین‌المللی شدن دانشگاه است. در این مؤلفه نیز مدیران بالاترین و دانشجویان کم‌ترین سطح را دارا هستند. در عملیاتی کردن برنامه‌ها نیز چنین روندی مشاهده می‌شود. اما در بازبینی، دیدگاه کارکنان در سطح بالاتری نسبت به بقیه قرار دارد. بالاخره، کارشناسان عقیده دارند که بین‌المللی شدن دانشگاه بیش‌تر مورد بازبینی و بازنگری قرار می‌گیرد. در حالی که دانشجویان و اعضای هیئت علمی و مدیران، نسبت به این امر کم‌تر رضایت دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

همکاری علمی میان دانشگاه‌های کشورهای مختلف امری جدید نیست، بلکه تحولات اخیر اقتصادی و اجتماعی و نیز فناوری‌های نوین، تحرک دانشجویان و اعضای هیئت علمی را بیش از پیش میسر ساخته است. از این رو، همکاری و مشارکت در آموزش تخصصی و پژوهش‌های علمی در راستای یاری‌دادن به اقتصاد دانش-بنیان و توسعه کشورهای ضرورت یافته است. از طرف دیگر، پدیده‌هایی مانند جهانی شدن اقتصاد، گسترده‌گی بازار کار، دانش‌آموختگان را از بازار کار محلی و ملی به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی امکان‌پذیر کرده است. اما تحقق این امر مستلزم پرورش مهارت‌های ارتباطی بین‌المللی و پرورش توانمندی‌های ویژه در دانش‌آموختگان دانشگاهی است. از این رو بین‌المللی شدن دانشگاهی پدیده‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت (هنار و همکاران، ۲۰۱۲). بدین جهت است که پدیده بین‌المللی شدن دانشگاهی در دو دهه اخیر مورد توجه مدیریت دانشگاهی قرار گرفته است.

با توجه به روند یاد شده، در ایران به بین‌المللی شدن دانشگاهی توجه شده است. از این جمله ایجاد یک دانشگاه بین‌المللی دولتی با رسالت ویژه و نیز کوشش‌های دانشگاه‌های با

سابقه در رونق بخشیدن به فعالیت‌های بین‌المللی. برای مثال، دانشگاه تهران اداره کل امور بین‌المللی را که زیر نظر معاونت پژوهشی بود، به سطح یک معاونت مستقل، تحت عنوان معاونت امور بین‌الملل ارتقاء داد. به همین ترتیب کوشش‌های بین‌المللی دانشگاه‌های پذیرش دانشجوی خارجی و برنامه‌های دیگر افزایش یافت. بین‌المللی شدن دانشگاهی را می‌توان به گونه‌های مختلف تحقق بخشید. از این جمله پذیرش دانشجوی خارجی، استخدام اعضای هیئت علمی از کشورهای دیگر، ایجاد شعب دانشگاهی کشور مبدأ در کشورهای مقصد از طریق آموزش فراملی (بازرگان و همکاران، ۱۳۸۹) و امثال آن. اما، بین‌المللی شدن دانشگاه فرایندی دارد که باید به آن توجه شود. این فرایند متشکل از شش مؤلفه (آگاهی، تعهد، برنامه‌ریزی، عملیاتی‌کردن برنامه‌ها، بازبینی و تقویت) است (نایت، ۱۹۹۴).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در دانشگاه «مورد مطالعه» از نظر مدیران، مؤلفه آگاهی در سطح رضایت‌بخش به عمل آمده است ($\bar{x}=1/93$)، در حالی که نظر کارشناسان ($\bar{x}=1/48$) و دانشجویان ($\bar{x}=1/43$) نسبت به آگاهی در امر بین‌المللی شدن در حد متوسط است. هر چند که آگاهی اعضای هیئت علمی نسبت به این امر نزدیک به آگاهی مدیران ($\bar{x}=1/85$) بوده، اما تا سطح مطلوب فاصله داشته است. در این باره دانشجویان کم‌ترین آگاهی را داشته‌اند. در مؤلفه تعهد، بالاترین سطح مربوط به مدیران ($\bar{x}=2/19$) و سپس به ترتیب اعضای هیئت علمی ($\bar{x}=2/18$)، کارشناسان ($\bar{x}=2/01$) و دانشجویان ($\bar{x}=1/80$) بوده است. البته، برای دانشگاهی که رسالت آن آموزش عالی بین‌المللی است، انتظار می‌رود که تعهد مدیران نسبت به بین‌المللی شدن کاملاً رضایت‌بخش باشد. در حالی که وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله قابل ملاحظه‌ای دارد. همچنین آگاهی اعضای هیئت علمی و کارشناسان نیز تا وضعیت مطلوب، فاصله معناداری دارند.

دانشگاه «مورد مطالعه» در مؤلفه برنامه‌ریزی از سطح رضایت‌بخش تری بهره‌مند است. زیرا هر یک از چهار جامعه مورد مطالعه (مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان) رضایت بالاتری را بیان داشته‌اند. اما وضعیت عملیاتی کردن برنامه‌ها در مقایسه با مؤلفه برنامه‌ریزی کم‌تر مطلوب بوده است. در مؤلفه «بازبینی» نظر کارشناسان نسبت به سایر افراد از سطح رضایت بیش‌تری بهره‌مند بوده است. بالاخره نتایج نشان می‌دهد که نظر کارشناسان تقویت فعالیت‌های بین‌المللی کم‌تر انجام می‌شود ($\bar{x}=0/87$). اما همان‌طور که داده‌های جدول ۲

نشان می‌دهد به طور کلی، از نظر افراد مورد مطالعه این مؤلفه از فرایند بین‌المللی شدن کم‌ترین توجه را به خود جلب کرده است.

همچنین نتایج آزمون خی‌دو نشان می‌دهد که به طور کلی، رضایت مدیران، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان نسبت به فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه همسو است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که هر چند برنامه‌ریزی برای بین‌المللی شدن دانشگاه انجام شده و از همکاری اعضای هیئت علمی و کارشناسان متعهد نسبت به این امر استفاده شده است، اما آگاهی آن‌ها نسبت به فرایند بین‌المللی شدن در سطح مطلوب نیست. علاوه بر آن ضرورت عملیاتی کردن برنامه‌ها آشکار است. از طرف دیگر برای ارزیابی مستمر برنامه‌های دانشگاه برای بین‌المللی شدن باید سازوکار مناسب ایجاد یا تقویت شود. زیرا مقدار میانگین این مؤلفه بین ۱/۵۱ تا ۱/۸۲ در نوسان است.

بالاخره، همان‌طور که اشاره شد، بازخورد دادن و تقویت کوشش‌های مربوط به بین‌المللی شدن موجبات ارتقاء کیفیت این امر را فراهم می‌کند. اما این مؤلفه کم‌ترین رضایت را از نظر افراد مورد مطالعه دارا است. برای این منظور می‌توان از نشانه‌گذاری درباره کوشش‌های بین‌المللی شدن استفاده کرد (اویلر، ۲۰۰۹).

چالش‌ها و موانع موجود در مسیر بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه با استفاده از چرخه فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها بررسی شد. این موانع با عوامل درون و برون دانشگاهی در ارتباط تنگاتنگ است. برای رفع آن‌ها باید نسبت به آگاهی، تعهد، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و تقویت همه جانبه فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه اقدام کرد. به عبارت دیگر، اقدام برای ارتقاء آگاهی مدیران، گروه‌های آموزشی، اعضای هیئت علمی، کارشناسان و دانشجویان نسبت به ضرورت بین‌المللی شدن دانشگاه، از اهمیت فراوانی بهره‌مند است. علاوه بر آن، براساس نتایج به‌دست آمده، می‌توان پیشنهادهایی را برای توسعه فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه مورد مطالعه به شرح زیر ارائه داد.

۱. ایجاد نظام اطلاعات مدیریت دانشگاهی برای ارزیابی مستمر فعالیت‌های بین‌المللی دانشگاه.
۲. پرورش تعهد راسخ مدیران دانشگاه از جمله هیئت رئیسه، مدیران دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی، برای مشارکت دادن اعضای هیئت علمی در تقویت فرایند

بین‌المللی شدن.

۳. تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های راهبردی و برنامه‌های (بلند، میان و کوتاه مدت) مشارکتی برای توسعه بعد بین‌المللی دانشگاه. این چشم‌انداز باید بر اساس اسناد بالادستی کشور و راهبردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه شود. به امید آنکه در دهه آینده بر خلاف سال‌های اخیر، راهبردهای یاد شده دستخوش تغییر مکرر قرار نگیرد.
۴. طراحی و اجرای سازوکار شناسایی و بازنمایی بهترین تلاش‌ها برای بین‌المللی شدن و پاداش دادن به آنها از جمله اعطاء جوایز و مشوق‌هایی در جهت تشویق و مشارکت کلیه دانشگاهیان در برنامه‌های بین‌المللی شدن دانشگاه. برای مثال، در هر سال بهترین گروه آموزشی دانشگاه که نقش بیش‌تری در این امر داشته است، شناسایی، معرفی و از آن قدردانی شود.
- شایان ذکر است که در این پژوهش به واسطه اخلاق پژوهشی از ذکر مستقیم نام دانشگاه مورد بررسی خودداری شده است.

منابع

- بازرگان، عباس و همکاران (۱۳۸۶). گزارش طرح بررسی آموزش عالی فراملی در ایران و پیشنهاد ساختار مناسب تضمین کیفیت آن. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- بازرگان، عباس، حسین قلی‌زاده، رضوان و دارس، محمد (۱۳۸۹). نگاهی به آموزش عالی فراملی در کشور ایران: مسائل و چشم انداز. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۸، ۱۷-۱.
- دفتر ریاست و روابط عمومی دانشگاه (۱۳۹۰). آمار و اطلاعات دانشگاه «ب». (شهر و ناشر محفوظ).
- دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه (۱۳۹۰). اساسنامه‌ها، آمار و اطلاعات دانشگاه «ب» (شهر و ناشر محفوظ).
- شاهی، سکینه، نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم و مهرعلیزاده، یداله (۱۳۸۷). ارتباطات گشوده آموزش عالی ضرورت رویارویی با چالش‌های جهانی شون‌دگی: مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی خوزستان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۰، ۴۵-۱۹.
- فاضلی، نعمت‌ا... (۱۳۸۳). نگاهی به جهانی شدن و روندهای جهانی در تحولات آموزش عالی و وضعیت آموزش عالی ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۵، ۴۲-۱.
- فشالنج، لیلا (۱۳۹۰). بررسی وضعیت بین‌المللی شدن آموزش عالی: مورد دانشگاه «ب». پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- فراستخواه، مقصود و کبریایی، احمد (۱۳۷۷). آموزش عالی در آستانه قرن بیست و یکم (گزارشی از کنفرانس جهانی آموزش عالی - ۱۹۹۸). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۷، ۱۲۹-۱۱۹.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال اول، ۲، ۱۲۲-۹۵.
- لازار، جاناتان و همکاران (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در فناوری اطلاعات (با تأکید بر تعامل انسان و رایانه). ترجمه کاوه بازرگان و عباس بازرگان. تهران: کندوکاو.
- منتظر، غلامعلی (۱۳۸۷). مکنت و مکانت دانشگاه (کنکاشی در جایگاه علمی دانشگاه‌های برگزیده ایران و جهان). تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۹). برنامه پیشنهادی مرکز همکاری‌های علمی بین‌المللی بر



اساس برنامه تقدیمی وزارت به مجلس شورای اسلامی در بخش بین‌الملل سال ۱۳۸۹. برگرفته

در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۵ از سایت www.msrt.ir

- Bostrom, C. A. (2010). Diffusion of Internationalization in Turkish Higher Education. *Journal of Studies in International Education*. Vol. 14. 2. 143–160.
- Damme, Van. Dirk. (2001). Quality Issues in the Internationalization of Higher Education. *Journal of Higher Education*, 41, 415–441.
- Dewey, Patricia., Duff, Stephen. (2009). Reason Before passion: Faculty Views on Internationalization in Higher Education. *Journal of Higher Education*. 58. 491–504.
- Harder, J. Natalie. (2010). *Internationalization Efforts in United States Community Colleges: A comparative Analysis of Urban, Suburban and Rural Institution*. Doctoral Dissertation, Old Dominion University.
- Henard, F., Diamond, L & Roseveare, D. (2012). *Approaches to Internationalization and their Implications for Strategic Management and Institutional Practice*. Paris: O.E.C.D.
- Knight, Jane. (1994). *Internationalization of Canadian Universities*. Doctoral Dissertation, Department of Educational Administration, Michigan State University.
- Knight, Jane. (2003a). *Internationalization of Higher Education Practices and Priorities: 2003 IAU Survey Report*. Paris, International Association of Universities (IAU).
- Knight, Jane. (2003b). Updated internationalization definition. *Journal of International Higher Education*, 33, 2–3.
- Knight, Jane. (2004). Internationalization Remodeled: Definition, Approaches and Rationales. *Journal of Studies in International Education*. , 8, 1, 5–31.
- Knight, Jane. (2007). *Internationalization: Concepts, Complexities and Challenges*. International Handbook of Higher Education. pp. 207-227.
- Marmolejo, F. (2012). Internationalization of higher education: the good, the bad, and the unexpected. *The Chronicle of Higher Education*, (October, 22). Retrieved 12.4.2013 from <http://chronicle.com/blogs/worldwise/internationalization-of-higher-education-the-good-the-bad-and-the-unexpected/27512>.
- Lane, J. E; Kinser, K. (2012). MOOCs and the McDonaldization of global higher education. *Chronicle of Higher Education*, (Sept, 28).
- Mestenhause, Josef .A (1999). Reforming the Higher Education Curriculum. Internationalizing the Campus. *Continuig Higher Education Review*.. 63.PP.16-28.
- Oyler, Leigh. Kaitlin. (2009). *Higher Education Goes Global: A Comparative Study of Internationalization at an American And Australian University*. Master of Education Thesis . College of Education. University of Southern Carolina.
- Rumbley, Laura. E. (2007). *Internationalization in the University of Spain: Opportunities, Imperatives and Outcomes*. Doctoral Dissertation. Boston College.

- Siah, Farah. (2009). *Internationalization of Higher Education in Iran: An Interpretive Case Study of Perceptions of A Selected Group of University Professors*. A Dissertation for the Degree of Doctor Philosophy in Education. University of Hawaii.
- Teichler, Ulrich. (2009). Internationalization of Higher Education: European Experiences. *Asia Pacific Education*. 10, 93–106.
- Unesco. (2009). <http://www.Unesco.org>. 6/10/2009.
- Van der Wende, Marijk. (1997). *Missing Links: the Relationship Between National Policies for Internationalization and those for of Higher Education in general*. Stockholm: National Agency for Higher Education.

The Process of Internationalization of Universities: A Case of Higher Education in Iran

Abbas Bazargan

Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Leila Fashalanj¹

Lecturer, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

One of the aspects of university development in the 21st century is internationalization. In this regard, about two decades ago, a university with specific mission and purpose of internationalization was established for the first time in Iran. The purpose of this paper is to explain the internationalization process at this university. The data was collected from four statistical populations including managers, faculty members, administrators and students. The instruments used for the purpose of data collection were questionnaires. The data were then analyzed to answer the research questions. The results indicated that the internationalization process has a satisfactory status in terms of commitment, planning and operationalization. It is also at a rather satisfactory level with regard to awareness, review and reinforcement. Statistical analysis showed no relationship between the population under study and the attitude towards internationalization process. Based on the findings, certain recommendations are made for improving the internationalization process.

Keywords

*Internationalization; Higher education;
Internationalization approaches; Internationalization
process; Iran*

New Thoughts on Education

¹ .feshalanj@yahoo.com